نگاه بیرون

سقوط هواپیمای روس و نزدیکی مخالفان به آنکارا

خلاف شیوه معمول که مخالفان و دولت ترکیه درباره بسیاری از مسائل داخلی و خارجی مواضعی کاملا متناقض با یکدیگر دارند، واکنش مخالفان این‌بار به سرنگون‌شدن یک هواپیمای روسی به وسیله جت‌های ترکیه توأم با آرامش و انتقاداتی کم‌رنگ بود.

سرنگونی این هواپیما هم‌زمان بود با تشکیل دولت جدید به ریاست «احمد داوودواوغلو» که به‌دنبال اعلام نتایج انتخابات پارلمانی اخیر و پیروزی حزب حاکم «عدالت و توسعه» مأمور تشکیل کابینه جدید شد.

محیط جغرافیایی سرنگون‌شدن هواپیمای روسی در «کوه‌های ترکمان»، واقع در شمال سوریه نیز عامل مهمی بود که موجب کاهش شدت جنگ‌های لفظی بین مخالفان و دولت شد و باوجود شکاف عمیقی که درباره مسائل سوریه بین آن دو وجود داشت، تمایل مشترکی نسبت به حمایت از ترکمان‌ها نشان دادند.

«کمال قلیچداراوغلو»، رهبر حزب «جمهوری‌خواه خلق» دولت ترکیه را به ارتکاب اشتباهات زیادی در پرونده سوریه متهم کرد اما درعین‌حال هشدار داد که نباید آسمان کشورش مورد تعرض قرار گیرد. او گفت، دولت ترکیه قوی و توانمند است و می‌تواند از مرزهای آسمان و زمین خود حراست کند.

قلیچداراوغلو - که بزرگ‌ترین حزب مخالف را رهبری می‌کند- در اظهارات مطبوعاتی خود از دولت‌های ترکیه و روسیه خواست درباره سقوط هواپیمای روسی که وارد فضای ترکیه در استان «هاتای» شده بود، خویشتن‌داری به خرج داده و عقلانیت پیشه کنند.

معادله منافع

«جلال اولگان»، که یک وکیل معروف ترکیه است، می‌گوید، سرنگون‌شدن هواپیمای جنگی روسیه مطابق با قوانین بین‌المللی بوده است. به گفته او، «به‌خصوص اگر بعد از چندبار هشدار باشد»، این امر از نظر او به‌لحاظ بین‌المللی کاملا مشروع است. او بااین‌حال از دولت ترکیه به این خاطر انتقاد می‌کند که چنین اتفاقی می‌تواند آسیب‌رسان باشد. اولگان می‌افزاید: سرنگون‌کردن هواپیمای روسی اشتباه بود، چون به روابط ما با روسیه لطمه می‌زند. روسیه برای ما یک کشور دوست و یک شریک تاریخی - تجاری است و ما مبادلات زیادی با آنها داریم.

او از تمرکز رسانه‌های ترکیه بر مسئله ترکمان‌های سوریه نیز انتقاد کرده و می‌گوید: «در رسانه‌ها افرادی نشان داده شدند که ریش‌های بلند داشتند و می‌گفتند ما ترکمان هستیم و داریم از خانواده‌مان دفاع می‌کنیم اما این مرا قانع نکرد؛ قیافه‌هایشان شبیه جهادی‌های داعش بود!»

رسانه‌های ترکیه روز سقوط هواپیمای روسی ویدئویی را پخش کردند که در آن گروهی از افراد مسلح جداشده از یکی از گروه‌های اسلام‌گرای ترکمان نشان داده می‌شد که داشتند در اطراف جسد خلبان کشته‌شده روسی پرسه می‌زدند. اندکی پس از آن بود که ارتش سوریه اعلام کرد که موفق شده خلبان دوم را سالم پیدا کند و به روسیه تحویل دهد.

موافقت محدود

«احمد الملاح»، نویسنده و پژوهشگر ترکیه، نیز می‌گوید: «کاهش سطح اظهارات مبادله‌شده بین طرفین؛ یعنی دولت و مخالفان حکایت از آن دارد که هردو به‌ویژه در مورد حمایت از ترکمان‌های سوریه خود را در یک سنگر احساس می‌کنند اما باید گفت به صورت کلی هر دو مواضع متناقضی نسبت به کل مسائل سوریه دارند».

ملاح به الجزیره می‌گوید، مسئله حس ناسیونالیستی در ترکیه نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌ها و به‌خصوص اعلام مواضع گروه‌های سیاسی دارد، برای همین چون هواپیمای روسی به حریم هوایی کشور ترکیه تجاوز کرده بود و از سوی دیگر، مشغول بمباران کسانی بود که از حمایت هردو طیف دولت و اپوزیسیون ترکیه برخوردارند، مواضع این دو به‌هم نزدیک شده است. به گفته این پژوهشگر، درحال‌حاضر دولت ترکیه از حمایت گسترده مردمی برخوردار بوده و افکار عمومی جامعه به‌نفع اوست. او دلیل این امر را دو عامل می‌داند: یکی همان مسئله ناسیونالیسم که به آن اشاره شد و دیگری اینکه همه می‌دانند بعید به نظر می‌رسد تنش‌ها به سطح یک جنگ تمام‌عیار کشیده شود. به‌دنبال این حوادث بود که داوودواوغلو گفت: مقامات ترکیه همچنان به دفاع و حمایت خود از ترکمان‌ها ادامه خواهند داد. او افزود که ترکیه همه‌گونه کمک به آنهایی که در کوه‌های ترکمان در حومه شهر «لاذقیه»، واقع در شمال سوریه هستند خواهد کرد؛ زیرا به گفته او ترکمان‌ها اجداد سلجوقیان به‌شمار می‌روند. داوودواوغلو در سخنانی که در مقابل فراکسیون پارلمانی حزب حاکم عدالت و توسعه ایراد می‌کرد، ادامه داد: احزاب مخالف بهتر است در چنین شرایطی در کنار دولت باشند و از حریم ملی دولت ترکیه حراست کنند. در غیر این صورت بهتر است به تعبیر او «سکوت کرده و به مشکلات داخلی خودشان بپردازند».

کشته‌شدن وکیل و فعال حقوق کردها، مردم ترکیه را به خیابان‌ها کشاند

مرثیه‌ای برای دادخواهی

عکس: Reuters

اگر این گزاره که «انتخابات به‌تنهایی دموکراسی نمی‌آورد» نیاز به اثبات داشته باشد، ترکیه حی‌وحاضرترین گواه آن است. انتخابات ترکیه هیچ‌گاه اقلیت حدود ۱۴میلیون‌نفری کردهای ترکیه را به حقوق اولیه‌شان نزدیک هم نکرده است. این روزها و تنها چند هفته پس از انتخابات زودهنگام پارلمانی ترکیه و درحالی‌که همه جهان فعالیت‌های خود را به مبارزه با داعش متمرکز کرده، ترکیه در حال تعمیق جنگ خود با کردهای این کشور است. منع زبان مادری، فرهنگ و موسیقی، جابه‌جایی‌های اجباری، مصادره اموال، زندان و جنایات ازپیش‌برنامه‌ریزی‌شده علیه کردها، رویکرد روتین سیاست‌مداران ترکیه برای تمرکز قدرت عدالت و توسعه است، آزار و اذیت‌هایی که می‌توان با مثال‌هایی بی‌شمار آنها را آشکار کرد. آخرین نمونه این بی‌عدالتی‌ها، کشته‌شدن طاهر ایلچی، وکیل و فعال سرشناس حقوق کردها در ترکیه است، کسی که در روز روشن و زمانی که در کنفرانسی مطبوعاتی درباره لزوم پایان‌دادن به خشونت صحبت می‌کرد، کشته شد.

اگرچه هنوز روشن نیست عاملان این قتل چه شخص یا گروهی بوده است، اما حزب دموکراتیک خلق‌ها، آن را «ترور برنامه‌ریزی‌شده» خواند. ایلچی اخیرا و پس از آنکه در یکی از مناظره‌های تلویزیونی شبکه سی‌ان‌ان ترکی، موضع دولتمردان ترکیه مبنی بر تروریستی‌بودن گروه پ‌ک‌ک را رد کرد، در مرکز توجه قرار گرفت. او پس از آن در ماه اکتبر بازداشت شد و در انتظار محاکمه بود. قتل او یک بار دیگر دولت ترکیه را سیل انتقادها قرار داد و جرقه‌ای برای آغاز تظاهرات گسترده در چندین شهر ترکیه بود. ترورهای اخیر که هربار کردهای ترکیه را هدف قرار داده، این بار هم اعتراضاتی را در استانبول، آنکارا و دیاربکر به دنبال داشت. حدود دو هزار نفر شنبه‌شب در میدان تقسیم در مرکز استانبول جمع شده بودند و یک‌صدا فریاد می‌زدند: «نمی‌توانید همه ما را بکشید»؛ واکنش پلیس هم مثل همیشه گاز اشک‌آور و ماشین‌های آب‌پاش بود. آن‌طورکه عکاس خبرگزاری فرانسه خبر داده، پلیس ترکیه در دیاربکر هم با معترضان درگیر شده است. به گزارش خبرنگار راشاتودی که در صحنه حضور داشته، هم‌زمان با افزایش حضور پلیس، خشم معترضان هم بیشتر و بیشتر می‌شد. درحالی‌که هلیکوپترهای پلیس بر آسمان شهر پرواز می‌کردند، معترضان خشمگین، اردوغان را «دزد» و «قاتل» می‌خواندند. هم‌زمان با اعتراضات مردمی، نتایج کالبدشکافی نشان داد که ایلچی با یک گلوله به سرش کشته شده است. آن‌طورکه منابع محلی به خبرگزاری فرانسه گفته‌اند، یکی از نیروهای پلیس حاضر در محل هم کشته شده و روز شنبه هم دو نیروی کرد در شهر کردنشین سور، که تحت حکومت نظامی است، کشته شدند. به گفته یکی از وکلای حاضر در محل: «سخنرانی تمام شده بود و ما متفرق شده بودیم. سپس صدای شلیک یکی، دو گلوله به گوشمان رسید. پلیس بلافاصله وارد صحنه شد و مردم هم هرجا که می‌توانستند، مخفی شدند».

احمد داوودواوغلو، نخست‌وزیر ترکیه، گفته هنوز مشخص نیست او در میانه درگیری در دیاربکر کشته شده یا اینکه به قتل رسیده است. رجب طیب اردوغان نیز گفته است این رخداد نشان‌دهنده حقانیت ترکیه در «عزمی که برای مبارزه با تروریسم دارد» است. این اولین‌بار نیست که دولت‌مردان ترکیه به حادثه‌هایی از این دست واکنش نشان می‌دهند اما اتفاقات چند ماه اخیر بیش‌ازپیش روشن کرده حزب عدالت و توسعه هرجا که پای منافعش در میان باشد، شمشیر را از رو می‌بندد.

شلیک به عدالت‌خواهی

حسین احمدی‌نیاز

همواره دولت‌های حاکم در ترکیه از غرور استبدادی خاصی برخوردار بوده‌اند. قدعلم‌کردن این کشور در برابر روسیه در پی سقوط هواپیمای نظامی یا یکه‌تازی در قبال موضوع سوریه، در همین راستا قرار می‌گیرد. اما آنچه حائز اهمیت است اقتدارگرایی خاص دولت حزب «عدالت‌وتوسعه»، «رجب طیب اردوغان» رئیس‌جمهوری ترکیه بر این کشور است. این موضوع براساس اتخاذ سیاست‌های ویژه حزب عدالت‌وتوسعه در مناطق کردنشین و چگونگی نیل به پیروزی در انتخابات پارلمانی اخیر آن کشور تنظیم و تعریف می‌شود. قبل از هر پروژه انتخاباتی، کاروان دولت حاکم در این مناطق فعال می‌شود و پس از اتمام کار، سیاست سرکوب و ارعاب دوباره شکل می‌گیرد. واقعیت ملیت کرد در ترکیه هنوز برای دولت‌مردان ترکیه تعریف نشده و این موضوع به چالشی طولانی‌مدت بدل شده است. زمانی حاکمان ترکیه با دستگیری «عبدالله اوجالان»، رهبر حزب کارگران کردستان (پ‌ک‌ک)، بر این تصور غلط بودند که کار کردها در آن کشور حل‌شده است. اما نه‌تنها حزب کارگران کردستان ترکیه از رشد وسیعی در مناطق مختلف ترکیه و منطقه برخوردار شد بلکه معضل مناطق کردنشین بیش‌ازپیش تشدید و قانون مبارزه با تروریسم به ابزار سرکوب دولت علیه مخالفان کرد تبدیل شد؛ به‌نحوی‌که بسیاری از مخالفان با استناد به این قانون، دستگیر و محاکمه می‌شوند.این سیاست‌های نادرست اردوغان و تیم او در دولت حاکم موجب کدورت، نزاع و درگیری بیشتری با کردها در مناطق کردنشین شده است که آخرین آن شنبه در شهر کردنشین کردستان ترکیه، «طاهر ایلچی» رئیس کانون وکلای دادگستری، به دست نیروهای طرفدار دولت حاکم ترور شد. طاهر ایلچی، خود مرد قانون بود و مخالف هر نوع خشونت، نزاع و درگیری بود. اما خود رئیس کانون وکلای دادگستری قربانی نابردباری دولت اردوغان بر این منطقه شد. قتل این مرد مدافع قانون و حقوق ملت، موجی از اعتراضات را در منطقه و بالتبع در جهان در پی داشته و خواهد داشت. این مخالف خشونت همواره در پی صلح و برابری و احقاق حقوق کردها بود و همواره از هر نوع خشونت چه از طرف دولت یا حزب کارگران کردستان انتقاد می‌کرد؛ اما اعتراض اخیر او به اقدامات خلاف قانون دولت اردوغان در «دیاربکر» بود که متأسفانه منتج به ترور او شد. بسیاری از کارشناسان بر این باورند که اعتماد کردها به دولت اردوغان برای آشتی امری ناپسند بوده است به‌نحوی‌که کشته‌شدن ایلچی نوعی شروع جنگ‌های دوم در ترکیه خواهد شد. طاهر ایلچی، مرد قانون بود و برای برقراری قانون و عدالت در این منطقه گام برداشته است. واقعیت مسئله این است که دولت ترکیه در تلاش است تا نخبگان کرد را چنین محرمانه به قتل برساند؛ امری که باعث درگیری‌هایی در ترکیه خواهد شد و نشان می‌دهد که کردها باید برای نیل به حقوق طبیعی خود گام‌های بیشتری را بردارند. ترور طاهر ایلچی، شلیک به مساوات و عدالت در ترکیه یا شلیک به قانون تلقی می‌شود؛ این مسئله درست هم‌زمان شده است با اقتدار کردهای «روژآوا» در سوریه که قرابت زیادی با «پ‌ک‌ک» و کردهای ترکیه دارند.

زنان سعودی برای اولین‌بار کارزارهای رسمی انتخاباتی خود را آغاز کردند

زنان برابر مردان

کارزار انتخاباتی خود را آغاز کردند، حتی برای به‌موقع‌رسیدن به محل سخنرانی‌های انتخاباتی خود یا باید به یک راننده مرد متکی باشند یا به پاهای خود و وسایل حمل‌ونقل عمومی اعتماد کنند. زنان سعودی در حالی از روز گذشته و برای اولین‌بار در تاریخ پادشاهی سعود، کارزار انتخاباتی خود را به‌طور رسمی کلید زدند که دستیابی به کرسی‌های پیش‌ترمردانه شوراهای شهر از سوی آنان، در قیاس با همتایان مذکرشان، تلاش‌هایی دوچندان می‌طلبد. اولین نامزدهای زن انتخاباتی در تاریخ عربستان‌سعودی ناچار از آن هستند تا برای هر سخنرانی انتخاباتی خود، زحمت رسیدن به سالن‌های اجتماعات را دوبار بر دوش کشند؛ یک‌بار برای حامیان هم‌جنس خود و باری دیگر برای مردانی که شمار انگشت‌شمار احتمالی آنان در سالن‌های سخنرانی نیز مانع از آن نخواهد شد تا یک سخنگوی مذکر مسئولیت انتقال پیام‌ها و وعده‌های انتخاباتی آنان را برعهده نگیرد. این حکایت بیش از ۹۰۰ زن سعودی است که برای اولین‌بار فرصت آن را یافته‌اند تا در انتخابات شورای شهر، شاهد ثبت نام‌هایشان بر برگه‌های رأی باشند؛ برگه‌هایی که این‌بار نه‌تنها میزبان نام نامزدهای زن خواهد بود، بلکه برای اولین‌بار نام رأی‌دهندگان زن سعودی را نیز بر خود خواهد دید. در نتیجه جای تعجب نیست در سرزمینی که برخلاف باقی همتایان منطقه‌ای خود، از هرگونه دستگاه قانون‌گذاری انتخابی محروم است و همین شوراهای شهر و اختیارات محدود آن نیز تنها از سال ۲۰۰۵ به این‌سو و صرفا بنابر اراده مردان آن تشکیل می‌شده است، حضور زنان بر پای صندوق‌ها و صدالبته کرسی‌های نمایندگی، انتخابات ۱۲ دسامبر را بیش از هرچیز به جدالی جنسیتی بدل کرده باشد؛ جدالی که به گفته بسیاری از کارشناسان محلی و منطقه‌ای، سنگ‌بنای تغییراتی بنیادین در تمامی سطوح و عرصه‌های سیاسی- اجتماعی شبه‌جزیره عربستان خواهد بود. با تمام این اوصاف، به نظر می‌رسد اکثریت زنان سعودی حتی حالا که از پس سال‌ها فعالیت اجتماعی و سیاسی، روزنه‌ای کوچک برای احقاق حقوق خود یافته‌اند، چندان شوقی برای بهره‌جویی از این موقعیت ندارند. شاهد این مدعا نیز شمار پایین زنانی است که برای حضور پای صندوق‌ها و رأی احتمالی به نامزدهای هم‌جنس خود ثبت‌نام کرده‌اند. بنا بر آمار وب‌سایت رسمی انتخابات شوراهای شهر عربستان، در حالی تنها نزدیک به ۱۳۱هزارنفر از زنان آن کشور برای حضور پای صندوق‌های رأی ثبت‌نام کرده‌اند که نزدیک به ۱.۵میلیون‌نفر از مردان سعودی با ثبت‌نام در سامانه انتخابات، برای انتخاب حدود هفت‌هزار نماینده در ۲۸۴ شورای شهر آن کشور اعلام آمادگی کرده‌اند؛ واقعیتی که امید بسیاری از فعالان و نامزدهای زن انتخاباتی برای کسب کرسی‌های شورای شهر را کم‌رنگ کرده است. نسیمه الساده، نامزد شورای شهر قطیف در کرانه‌های شرقی شبه‌جزیره عربستان که نامش از روز گذشته و بدون هیچ‌گونه توضیحی از فهرست‌های انتخاباتی حذف شده است، یکی از این افراد است که اگرچه تعداد نامزدهای زن را امیدوارکننده دانسته، اما مشارکت پایین زنان رأی‌دهنده که برآمده از عدم آگاهی آنان نسبت به اهمیت شرکت در انتخابات، موانع بوروکراتیک پیشاروی آنان و البته ناامیدی ضمنی آنان از کارکرد سیاسی و اجتماعی شوراهای شهر است را دلیلی کافی برای شکست احتمالی تمامی نامزدهای زن سعودی در دستیابی به اولین کرسی‌های تصمیم‌گیری خود در تاریخ آن کشور عنوان کرده است.

اهداف پنهانِ رفتار نظامی ترکیه در قبال روسیه

مسعود رضائی*

ترکیه جنگنده سوخوی روسیه را سرنگون کرد. این رویداد مهم ظرف سال‌ها و حتی دهه‌های اخیر از طرف یکی از کشورهای عضو ناتو علیه روسیه بی‌سابقه بود. ازهمین‌رو سؤالات متعددی در مورد دلایل توجیه این اقدام جنگی ترکیه مطرح شده است که عموما نیز پاسخ به آن صرف‌نظر از نقض حریم هوایی این کشور، به سوریه برمی‌گردد که طی دو ماه گذشته با ورود فعال روسیه و بمباران مواضع داعش و دیگر گروه‌های تروریستی، ترکیه را ناراحت و سردرگم کرده و تا حدودی معادله قدرت و توازن نیروها را به‌نفع دولت «بشار اسد»، رئیس‌جمهوری سوریه و متحدان آن تغییر داده است؛ جایی که آنکارا ظرف چهارسال گذشته، هزینه‌های سنگین سیاسی، اقتصادی و امنیتی بابت آن پرداخت کرده و پیامدهای آن چیزی به غیر از «تنش صرف» با همسایگان و تشدید ناامنی منطقه‌ای نبوده است. اما چرا این حادثه روی داد؟ در ۲۲ ژوئن ۲۰۱۲ ارتش سوریه یک فروند فانتوم ترکیه را به علت ورود به حریم هوایی سوریه سرنگون کرد. اما بسیاری معتقدند که در اصل، پشت این حادثه روسیه بوده و این اتفاق به‌واسطه شلیک یک فروند موشک هدایت‌شونده لیزری از یک ناو روسی در منطقه لاذقیه رخ داده بود. با درنظرگرفتن این مسئله، می‌توان گفت که طی دوماه گذشته، ورود روسیه به سوریه تنها وارد مرحله تازه‌ای شده است؛ و در حقیقت روس‌ها حداقل سه‌سال در محیط امنیتی سوریه حضور فعال داشته و قلمرو موشکی سوریه را در اختیار داشته‌اند. یعنی هم موشک‌های زمین‌به‌هوا و هم موشک‌های زمین‌به‌زمین سوریه در کنترل روسیه است. بنابراین این اتفاق، ضمن اینکه می‌تواند به‌طور ضمنی پاسخ ترکیه به حادثه سال ۲۰۱۲ باشد؛ اما بحث به زمان حال و پیچیدگی‌های آن برمی‌گردد، آن هم زمانی که پس از حادثه تروریستی پاریس و همدردی جامعه جهانی با مردم فرانسه، همه توجه‌ها به داعش و اجماع برای شکست آن جلب شده است. طبیعی است که غرب، از نقش ترکیه در حمایت از داعش مطلع بوده و بعد از واقعه پاریس، عرصه برای داعش و حامی آن یعنی ترکیه تنگ‌تر خواهد شد. بنابراین این حادثه شاید می‌توانست جایگاه «رجب اردوغان» و «داوودواوغلو»، رئیس‌جمهوری و نخست‌وزیر ترکیه، را از یک کشور حامی داعش، به یک قربانی نقض حریم هوایی کشورش تغییر دهد. فارغ از این گمانه، درباره رفتار نظامی ترکیه نسبت به روسیه دو نظریه کلی قابل‌طرح است:

۱) نظریه نخست می‌گوید این اقدام ترکیه با هماهنگی آمریکا و ناتو به وقوع پیوسته چراکه در غیراین‌صورت این کشور اساسا به‌تنهایی قادر به ابرازوجود در چنین سطحی و نمایش چنین رفتار جسورانه‌ای نبوده است.

۲) دیدگاه دوم نیز می‌گوید که ترکیه مستقلانه و بدون اطلاع غرب دست به چنین اقدامی زده و در هنگام اتخاذ چنین تصمیمی، تنها به خود اتکا داشته است (هرچند خود را به‌عنوان عضو ناتو در تشدید بحران و پاسخ‌های بعدی، مطمئن از حمایت و هم‌پیمانی آمریکا و ناتو در نظر گرفته است). اگر دیدگاه اول را مدنظر قرار دهیم، ترکیه دچار اشتباه فاحش استراتژیک شده است. در سال ۲۰۰۸، گرجستان با همین وعده حمایت غرب، دست به اقدام نظامی گسترده در منطقه خودمختار اوستیای جنوبی زد که در پی آن چند صلح‌بان روس نیز کشته شدند. درحالی‌که دنیا مترصد تعمق درباره چگونگی برخورد روسیه با این حرکت بود، خلاف انتظار جهانیان، واکنش روسیه بسیار سخت و سهمگین بود. روس‌ها نه‌تنها دو منطقه اوستیای جنوبی و آبخازیا را از چنگ گرجی‌ها درآوردند، بلکه تا ۳۵ کیلومتری تفلیس پیش رفتند، که در نتیجه آن بسیاری از مراکز نظامی و تأسیسات زیربنایی گرجستان در معرض نابودی قرار گرفت. هرچند ترکیه با گرجستان قابل‌قیاس نیست؛ اما حداقل این موضوع را می‌توان موردتوجه قرار داد که در آن ماجرا، آمریکا و اروپا با وجود تهییج و تشجیع اولیه گرجستان، با وقوع درگیری به‌راحتی خود را کنار کشیدند و تنها به تشرهای دیپلماتیک بسنده کردند. موضوعی که به‌نظر نزد مقامات آنکارا فاقد اهمیت و درس تاریخی است. بنابراین رفتار و اقدام ترکیه در این چارچوب اشتباهی اساسی است. اما از جنبه دوم، به‌نظر می‌رسد که اقدام ترکیه در ساقط‌کردن جنگنده روسیه، توجیه و انگیزه‌ای مستقلانه داشته است. دلیل آن هم می‌تواند چنین ارزیابی شود که این کشور قصد داشته با چنین اقدامی، پای ناتو و آمریکا را به صحنه سوریه به شکلی باز کند که موضوع سوریه بین‌المللی‌تر از گذشته، پررنگ‌تر و نقش روسیه در سوریه به عنوان یک «بازی بزرگ جدید» و در چارچوب تقابل روسیه با ناتو بازتعریف شود. اگر این فرضیه را بپذیریم، این بار سوم است که ترکیه در خلال بحران سوریه چنین سیاستی را در پیش گرفته است. روسیه همواره به‌عنوان یک بازیگر قدرتمند و قطبی، چالشی برای غرب بوده و این قابلیت را داشته تا سازمان پیمان آتلانتیک شمالی پس از جنگ سرد، بخشی از ضرورت وجودی خود را در قالب آن توجیه کند. در اینجا نیز به‌نظر محاسبات ترکیه نواقصی دارد. بحران اوکراین مثال خوبی در این ماجراست. سال گذشته روسیه بخشی از سرزمین اوکراین و شبه‌جزیره کریمه را به خاک خود ملحق کرد؛ اما پاسخ غرب به این اقدام، مداخله نظامی نبود؛ آنها با اقدامات دیپلماتیک، روسیه را از گروه هشت اخراج کردند و تحریم‌های اقتصادی خود را علیه مسکو به مرحله اجرا درآوردند. اگرچه اوکراین عضو پیمان دفاعی امنیتی ناتو نیست، اما این کشور در قیاس با ترکیه با محاسبات بازیگران اصلی اروپا و آمریکا به لحاظ ایدئولوژی و مذهبی، هم‌خوانی و نزدیکی بیشتری دارد. بنابراین در چنین وضعیتی، وقتی آمریکا و اروپا مایل به تقابل با روسیه در قضیه بحران اوکراین نشدند، چطور می‌توان تصور کرد به‌خاطر ترکیه وارد منازعه با روسیه شوند؟ آن هم زمانی‌که «باراک اوباما»، رئیس‌جمهوری آمریکا و متحدان اروپایی آن با نوعی سرخوردگی استراتژیک در خاورمیانه مواجه‌اند و نمی‌خواهند جبهه دیگری از مناقشه را با روسیه باز کنند. بنابراین حمله به جنگنده روسیه می‌تواند پاسخی به ناکامی‌های اخیر ترکیه در سوریه قلمداد شود. ترکیه از این اقدام نظامی علیه روسیه، سه هدف عمده دارد: از یک‌سو سعی دارد به کشورهایی که در عراق و سوریه مخالف آن هستند، نشان دهد که اقدامات آنها بی‌پاسخ نخواهد ماند و باید هزینه آن را بپردازند؛ دوم روحیه گروه‌های طرفدار خود را در سوریه حفظ کند تا بتواند به دستاوردهای نیابتی آنها امیدوار بماند؛ و سوم و از همه مهم‌تر، این کشور مایل است مناقشه خود در سوریه را به مناقشه غرب با روسیه گسترش دهد. مورد سوم همان استراتژی‌ای است که ترکیه انتظار دارد روسیه را در دام آن گرفتار کند. چالش اصلی روسیه، شکستن این استراتژی است. واکنش سخت‌افزاری، شتابزده و هیجانی روسیه به سرنگونی جنگنده خود، دقیقا همان چیزی است که ترک‌ها انتظار آن را می‌کشند. جالب آنکه پیش از این، همواره این قدرت‌های بزرگ بودند که از کشورهایی با درجه قدرتِ متوسط و ضعیف استفاده می‌کردند تا به منافع و اهداف خود دست پیدا کنند؛ اما هم‌اکنون بازیگران منطقه‌ای همچون ترکیه این فرصت را پیدا کرده‌اند که به اقدامات تلافی‌جویانه دست بزنند، عمل‌گراتر شوند یا با سیاست‌های خود، کشورهای بزرگ را در عملِ انجام‌شده قرار دهند. این واقعیت جدیدی است که در عصر حاضر در خاورمیانه با آن روبه‌رو هستیم.

* پژوهشگر مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه

رویداد

پوتین فهرست تحریم‌های ترکیه را امضا کرد

● چندروز پس از سرنگونی یک بمب‌افکن روسی توسط ترکیه در مرز سوریه، رئیس‌جمهور روسیه با صدور فرمانی تحریم‌های اقتصادی علیه ترکیه را اعلام کرد. سخنگوی کاخ کرملین نیز لطمه وارده به مناسبات دو کشور را «به‌سختی جبران‌پذیر» خواند. به گزارش دویچه‌وله، براساس بیانیه‌ای که از سوی کاخ کرملین منتشر شد، «ولادیمیر پوتین»، رئیس‌جمهور روسیه، دستوری پیرامون تحریم ترکیه را امضا کرده است. در این بیانیه آمده است که اقدامات دولت روسیه در راستای تأمین امنیت شهروندان این کشور است. شرکت‌های روسی نیز از این پس اجازه استخدام شهروندان ترک را ندارند. هنوز تمام جزئیات این تحریم‌ها مشخص نشده است. ممنوعیت واردات بعضی از کالاهای ترکیه به روسیه از جمله این تحریم‌هاست. در فرمانی که در سایت کرملین منتشر شده، هنوز نوع این کالاها مشخص نشده است. همچنین محدودیت‌هایی علیه شرکت‌های ترکیه و شهروندان این کشور که در روسیه فعالیت می‌کنند، وضع شده است. بنا بر فرمان ریاست‌جمهوری روسیه، مقررات مربوط به ویزا بین دو کشور هم با سختگیری‌های بیشتری روبه‌رو خواهد شد. دستور پوتین در راستای وضع تحریم‌ها علیه ترکیه تازه‌ترین مورد از مجموعه اقداماتی است که از زمان بالاگرفتن تنش بین دو کشور ترکیه و روسیه در پی سرنگون‌کردن یک بمب‌افکن روسی توسط جنگنده‌های ترکیه صورت می‌گیرد.

حضور «۱۲۰۰ سرباز» آلمانی در عملیات نظامی علیه داعش

● دولت آلمان اخیرا اعلام کرد که با اعزام جت‌های «تورنادو» و ناوچه جنگی به منطقه خاورمیانه، در عملیات علیه گروه تروریستی «داعش» شرکت می‌جوید. صدراعظم آلمان و مقامات امنیتی و نظامی در تصمیمی مشترک همچنین اعلام کردند که این کشور یک هواپیمای تانکر سوخت‌رسان و امکانات شناسایی ماهواره‌ای نیز به منطقه خواهد فرستاد. «فولکر ویکر»، بازرس کل ارتش آلمان، در گفت‌وگویی با روزنامه «بیلدام زونتاگ» تخمین زده که در نبرد با گروه داعش در سوریه به هزارو ۲۰۰ سرباز آلمانی نیاز است. او این تعداد سرباز را «از نقطه‌نظر نظامی برای کار با هواپیماها و کشتی‌ها» لازم دانسته است. پارلمان آلمان در چندروز آینده در نظر دارد موضوع مشارکت نظامی آلمان در مقابله با داعش را بررسی کند.

ادامه از صفحه اول

خشونت نرم عامل زایش خشونت خشن

این آسیب‌ها می‌توانند از دوره کودکی تا بدان زمانی ادامه یافته باشند که فرد مرتکب خشونت شده باشد. دیگری آنکه فرد در تعامل با طرف مقابل خود، مورد تعرض گونه‌هایی از خشونت می‌شود که در فرایند واکنش‌های خود، به خشونت روی می‌آورد. عواملی تحریک‌کننده که ممکن است از جنس خشن نباشند، اما دارای عنصر خشونت‌ورزانه علیه افراد باشند، می‌توانند- خواسته یا ناخواسته- شخص را به ارتکاب خشونت سوق دهند؛ زمانی که در یک رابطه، حریم شخصی، حرمت شخصیتی، روان و آبروی افراد مورد تهدید واقع شده و حیثیت آنان به چالش کشیده می‌شود. یا در یک فرایند فرسایشی، توانایی‌های فرد به زیر سؤال رفته و احساسات وی تمسخر شود یا اینکه با برخوردهایی از قبیل بی‌توجهی متعمدانه، تحقیر شخصیت، اعمال تبعیض، موجبات حرص‌دادن و حرص‌درآوردن به‌منظور به ستوه آوردن فرد فراهم شود، می‌تواند مصداقی از این خشونت‌ها باشد که به صورت کلامی یا عملکردی بروز پیدا کرده و به ذهن و روان فردی دیگر آسیب رسانند. با این نگاه، بوق زدن ممتدی که به قصد خردکردن اعصاب راننده‌ای دیگر به کار می‌رود یا جواب سلام دوستی را ندادن که با ذوق و شوق سراغ ما را گرفته است نیز می‌توانند در پراکندن بذر خشونت در جامعه مؤثر باشند. با این نگاه، شاید این مسئله را که چگونه خشونت‌های ریز و بلکه نرم ما می‌تواند به خشونت‌های خشن و حتی فیزیکی منجر شود بهتر درک کنیم. اگر دغدغه محوکردن انواع مختلف خشونت از خانواده و جامعه را داریم، ضروری است با پرهیز از اینکه به ورطه وسواس و سرزنش خود بیفتیم، قدری بیشتر به خشونت‌های پنهان یا نرم خویش توجه کنیم. همان عملکردهایی که ای‌بسا روزانه و در رابطه با بسیاری پدیده‌ها و عزیزانمان مرتکب می‌شویم. بزرگداشت روز جهانی نفی خشونت علیه زنان، فرصتی برای افزایش آگاهی‌های ما درباره ریشه‌های خشونت در فرد و جامعه و تلاش برای تحقق آرامش و صلح درونی و بیرونی برای تک‌تک ماست که از همین روزهای آغازین پس از این رویداد، دست‌یابی به دنیایی آکنده از صلح با ایجاد محیط‌های انسانی و خانوادگی سرشار از تفاهم و همدلی را دنبال کنیم.